



Management & Development Process

چکیده

تبیین تفاوت‌های مشاهده شده بین کشورهای مختلف از نظر توسعه اقتصادی، مسئله اقتصاددانان و سایر عالمان اجتماعی در طول قرن بیستم بود. این مهم با وجود ابزارهای تحلیل بهتر، تحقق نیافت. علاوه بر این، کارگزاران توسعه که در میدان عمل درگیر مشاهده و بررسی پروژه‌های توسعه بودند، متوجه شدند که پروژه‌های توسعه دارای سرنوشت بسیار متفاوتی است. از همه مهمتر این که چرا جوامع به‌ظاهر مشابه، از لحاظ مدیریت منابع عمومی و سازماندهی فعالیت‌های جمعی، تفاوت زیادی با هم دارد. در دهه ۱۹۶۰ پژوهشگران و کارگزاران توسعه به تأثیر کیفیت نیروی کار پی بردند و از آن زمان به بعد مفهوم سرمایه انسانی مورد توجه قرار گرفت. استفاده از مفهوم سرمایه انسانی تا حدودی توانست خلاء علمی در فهم علل رشد اقتصادی و تفاوت در میزان موفقیت‌های پروژه‌های توسعه را پر نماید. ولی در دهه ۱۹۸۰، ابزار مفهومی جدیدی که تأکید اصلی آن بر ویژگی‌های موجود در روابط اجتماعی بین انسان‌هاست مطرح شد. پذیرش و محبوبیت این ابزار جدید تحت‌عنوان: سرمایه اجتماعی، به لحاظ کاربرد آن در سطوح مختلف (خرد، میانه و کلان) در حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی - اقتصادی است. در دهه اخیر با شناسایی هر چه بیشتر حوزه‌های تحت تأثیر سرمایه اجتماعی، تقاضای زیادی برای بررسی تجربی آن پدید آمده است. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد که تقاضا برای سنجش تجربی سرمایه اجتماعی به مراتب بیشتر از عرضه آن است. پیچیدگی و چند بعدی بودن مفهوم سرمایه اجتماعی، باعث شده است که مفهوم سازی سرمایه اجتماعی بیشتر از سنجش آن مورد توجه باشد. این مقاله ابتدا برخی از مدل‌های سنجش سرمایه اجتماعی که تاکنون بیشتر مورد استناد بوده معرفی می‌کند و سپس مدل جدیدی که با هدف بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی برای سیاست اجتماعی طراحی گردیده را مورد بحث قرار می‌دهد. همچنین ابزارهای جدیدی که با سنجش شبکه‌های اجتماعی امکان بررسی تجربی سرمایه اجتماعی را فراهم می‌سازد، معرفی شده است.

کلیدواژه‌ها: راهبری سیستمی، مدل ساختارپذیری کارها، نظم‌دهنده‌ها، تسهیل‌کننده‌ها

روند جهانی در سنجش سرمایه اجتماعی: اثرپذیری از حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی

محمود شارع‌پور

روند جهانی در سنجش سرمایه اجتماعی: اثرپذیری از حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی

دکتر محمود شارع پور^۱

مقدمه

اگر چه اقتصاددانان و اجتماع‌پژوهان در طول قرن بیستم به ابزارهای تحلیلی مطلوبی دست یافتند، ولی با این همه نتوانستند به‌طور کامل تفاوت‌های مشاهده شده بین کشورهای مختلف را از نظر سطح توسعه اقتصادی، تبیین کنند. این ابزارها نمی‌توانست به این پرسش پاسخ دهد که چرا کشورهایی که دارای سرمایه طبیعی و فیزیکی مشابهی است، میزان رشد اقتصادی و درآمد سرانه نابرابری دارد. در همین حال، کارگزاران توسعه که در میدان عمل درگیر مشاهده و بررسی پروژه‌های توسعه بودند، متوجه شدند که پروژه‌های توسعه سرنوشت‌های بسیار متفاوتی دارد. از همه اینها مهم‌تر اینکه، جوامع به ظاهر مشابه از لحاظ مدیریت منابع عمومی و سازماندهی فعالیت‌های جمعی، تفاوت زیادی با هم دارد. در دهه ۱۹۶۰، پژوهشگران و کارگزاران توسعه به تأثیر کیفیت نیروی کار پی‌بردند و از آن زمان به بعد مفهوم سرمایه انسانی مورد توجه آن‌ها و سیاست‌گذاران اجتماعی قرار گرفت. استفاده از مفهوم سرمایه انسانی تا حدودی خلأ علمی در فهم علل رشد اقتصادی و تفاوت در میزان موفقیت‌های پروژه‌های توسعه را توانست پرکند، ولی در دهه ۱۹۸۰، ابزار مفهومی جدیدی مورد توجه پژوهشگران اجتماعی و اقتصادی قرار گرفت که تأکید اصلی آن بر ویژگی‌های موجود در روابط اجتماعی بین انسان‌ها بود. پذیرش و

۱. دانشیار گروه علوم اجتماعی
دانشگاه مازندران
E.mail: sharepour@yahoo.com

محبوبیت این ابزار جدید با عنوان سرمایه اجتماعی، به دلیل کاربرد آن در سطوح مختلف (خرد، میانه و کلان) در حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی - اقتصادی است. دولت‌ها با آگاهی از کاربرد سرمایه اجتماعی در فقرزدایی، به استفاده از آن در برنامه‌ها و سیاست‌های اجتماعی خود پرداختند. بدین ترتیب حاکمیت الگوی همکاری سه جانبه بین: دولت، بازار و اجتماع سبب برجستگی مفهوم سرمایه اجتماعی شد.

در دهه اخیر با شناسایی هر چه بیشتر حوزه‌های تحت تأثیر سرمایه اجتماعی، تقاضای زیادی برای بررسی تجربی آن پدید آمده است. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد تقاضا برای سنجش تجربی سرمایه اجتماعی به مراتب بیشتر از عرضه آن است. تاکنون مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی بیشتر از سنجش آن مورد توجه بوده است و همین تا حدودی ناشی از پیچیدگی و چند بعدی بودن این مفهوم است.

در واقع، سنجش مفاهیم علوم اجتماعی با دشواری‌های زیادی روبه‌روست. به همین دلیل ریچارد فینمن^۱ (۱۹۸۸) برنده جایزه نوبل در رشته فیزیک، مسائل و مشکلات علوم اجتماعی را دشوارتر از فیزیک می‌داند. بخشی از این دشواری ناشی از مشکلات مربوط به سنجش و اندازه‌گیری است. مفاهیمی مانند سرمایه اجتماعی، شامل سازه‌هایی است که ذاتاً انتزاعی است و به تفسیرهای ذهنی در تبدیل آن‌ها به سنجه‌های عملیاتی نیاز دارد.

از این‌رو، سرمایه را - به عنوان یک مفهوم پیچیده - نمی‌توان با یک سنجه منفرد یا یک عدد سنجید. برای مقایسه ابعاد گوناگون سرمایه اجتماعی بایستی از مجموعه‌ای شاخص‌ها استفاده کرد.

در حالی که در زمینه سرمایه اجتماعی و تعیین شکل‌ها و ابعاد آن، توافق و همسویی فراوانی وجود دارد، در زمینه تعریف عملیاتی آن دیدگاه‌های متفاوتی به چشم می‌خورد. به همین دلیل، پکستون^۲ (۱۹۹۹) معتقد است: که شکاف بزرگی بین مفهوم سرمایه اجتماعی و سنجش آن وجود دارد.

با توجه به نقش بالقوه سرمایه اجتماعی در کاهش فقر و تقویت توسعه پایدار، تلاش‌های زیادی برای طراحی ابزارهای سنجش سرمایه اجتماعی صورت گرفته است. این مقاله به معرفی برخی از مدل‌های ارائه شده توسط پژوهشگران مختلف درباره سنجش سرمایه اجتماعی پرداخته است.

1. Fegman

2. Poxton

سطوح سنجش سرمایه اجتماعی

برای اینکه بدانیم برای بررسی سرمایه اجتماعی دارای چه حق انتخاب‌های روشی^۱ هستیم، لازم است با رهیافت‌های مختلف نسبت به این مفهوم آشنا شویم. به‌طور کلی در مورد سرمایه اجتماعی دو رهیافت اصلی وجود دارد یا به عبارتی، سرمایه اجتماعی را می‌توان در دو سطح بازنگری کرد: سطح فردی (خرد) و سطح جمعی (کلان). مباحث نظری و همچنین پژوهش‌های تجربی در این دو سطح مختلف مطرح است. نظریه‌های پوتنام و کلمن در سطح کلان است، چون آن‌ها سرمایه اجتماعی را امری می‌دانند که به‌طور جمعی تولید می‌شود و کل اجتماع از آن بهره‌مند می‌شود. از این دیدگاه، سرمایه اجتماعی یک نفع جمعی است. در سطح جمعی و کلان، هنجارهایی مانند اعتماد نشان‌دهنده سرمایه اجتماعی است.

مطالعات منتخب در زمینه سنجش سرمایه اجتماعی جمعی

در سال‌های اخیر، تعدادی از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی پژوهش‌های مربوط به سرمایه اجتماعی جمعی را آغاز کرده‌اند، ولی موضع آن‌ها در مورد مدل‌های مفهومی مورد استفاده، به‌صورت صریح بیان نشده است. در اینجا تلاش می‌شود شیوه مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی و ابزار مورد استفاده آن‌ها شناسایی شود. هر یک از این ابزارها، دارای اولویت‌های خاصی در زمینه سیاست اجتماعی است.

مدل پوتنام: از نظر پوتنام، سرمایه اجتماعی عبارت است از پیوندهای بین افراد (شبکه‌های اجتماعی) و هنجارهای اعتماد و معامله به مثل که از این پیوندها ناشی می‌شود. پس سرمایه اجتماعی دارای یک بعد ساختاری^۲ یا شبکه‌های اجتماعی است و یک بعد فرهنگی^۳ یا هنجارهای اجتماعی؛ هر چند در اغلب سنجش‌های سرمایه اجتماعی، متأسفانه بر یکی از این دو بعد تأکید می‌شود.

پوتنام برای سنجش سرمایه اجتماعی از یک سنجه مرکب استفاده کرد که شامل موارد زیر است: میزان مشارکت در امور اجتماع محلی و زندگی سازمانی و مشارکت در امور عمومی (مثل رأی دادن)، رفتار داوطلبانه، فعالیت‌های اجتماعی غیررسمی (مثل دیدار دوستان)، و سطح اعتماد بین افراد. به این ترتیب، سنجه او دارای دو عامل اساسی است: سنجه مشارکت انجمنی و سنجه اعتماد. برخی معتقدند که این دو، دو بعد کاملاً متفاوت و متمایز سرمایه اجتماعی است، به‌طوری که عضویت در انجمن‌ها

1. Methodological choices
2. Structural
3. Cultural

و تشکلهای بیشتر برای افزایش سعه صدر، مدارا و تحمل فرد مهم است (تساهل و تسامح) و اعتماد، بیشتر دارای پیامدهای اقتصادی است. البته در بیشتر مطالعات مربوط به سرمایه اجتماعی، تنها به سنجش اعتماد اکتفا شده است.

مطالعات بانک جهانی: در پایان دهه ۱۹۹۰، بانک جهانی از جمله سازمانهای بین‌المللی بود که علاقه زیادی به مفهوم سرمایه اجتماعی نشان داد. در آن دوره زمانی، حاکمیت رهیافت‌های مدیریتی نسبت به توسعه سبب شد که بانک جهانی برای مبارزه با فقر و تضمین دسترسی همگان به آموزش و بهداشت به دنبال سیاست‌های ظرفیت‌سازی جمعی باشد (وول کوک^۱، ۲۰۰۴). در این مطالعات که با عنوان: "ابتکار عمل در سرمایه اجتماعی"^۲ انجام شد، برای سنجش سرمایه اجتماعی از سه شاخص استفاده شد: عضویت در انجمن‌ها و شبکه‌های محلی، اعتماد و وفاداری به هنجارها و کنش جمعی. از دیدگاه تجربی، بررسی‌های بانک جهانی در مورد سرمایه اجتماعی مبتنی بر مطالعات کوچک مقیاس بود تا مشخص کند، در یک موقعیت خاص توسعه‌ای، سرمایه اجتماعی چگونه عمل می‌کند. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای پژوهش‌های بانک جهانی در مورد سرمایه اجتماعی این است که تأثیر سرمایه اجتماعی در همه جا یکسان نیست و بسیار بستگی به سایت مطالعه دارد. از سوی دیگر، ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی نیز در همه شرایط تأثیر یکسانی ندارد. براساس این مطالعات، بانک جهانی برای بررسی سرمایه اجتماعی در کشورهای در حال توسعه ابزار خاصی با عنوان: Social.Capital.Assessment Toolkit ساخت.

پیمایش ارزش‌های جهانی

رونالد اینگلهارت اولین مطالعه بین‌المللی در زمینه ابعاد سرمایه اجتماعی را انجام داده است. در دهه ۱۹۹۰ او و همکارانش به جمع‌آوری داده‌های فراوان از ۴۳ کشور پرداختند تا نقش عوامل فرهنگی در توسعه اقتصادی و سیاسی را مشخص کنند. اولین دوره این پیمایش در سال ۱۹۸۱ و آخرین آن در سال ۱۹۹۵ انجام شد. مهم‌ترین جنبه پیمایش ارزش‌های جهانی، متغیرهایی آن است که مستقیماً در ارتباط با سرمایه اجتماعی، یعنی اعتماد و عضویت در انجمن‌ها است. در پیمایش ارزش‌های جهانی دو پرسش در مورد عضویت در انجمن‌ها وجود دارد:

1. Woolcock
2. Social capital initiative

۱. آیا شما در انواع مختلف انجمن‌ها عضویت دارید؟

۲. آیا شما فعالانه در این انجمن‌ها مشغول هستید؟

اینکلهارت بین رشد اقتصادی و عضویت در گروه‌ها، همبستگی پیدا نکرد، ولی متوجه شد که این رابطه بستگی به سطح توسعه اقتصادی دارد. در جوامعی که سرانه تولید ناخالص ملی بیش از ۸۳۰۰ دلار آمریکا بود، این همبستگی منفی بود و در جوامعی که سرانه تولید ناخالص ملی پایین بود و کشورهای کمتر توسعه‌یافته به‌شمار می‌آمدند، این همبستگی مثبت بود. اینکلهارت در تفسیر این شرایط معتقد بود: این یافته تأییدکننده نظر پوتنام است، مبنی بر اینکه: در مراحل اولیه توسعه اقتصادی، سازمان‌های داوطلبانه نقش مثبتی ایفا می‌کنند. در این پیمایش به ویژگی‌های این انجمن‌ها توجه نشد و بسیاری از سازمان‌های سنتی موجود در کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته نشد. توسط نارایان و کسیدی، برای برطرف کردن و کاهش این کمبودها، ابزار جدیدی با عنوان پیمایش جهانی سرمایه اجتماعی^۱ طراحی کردند.

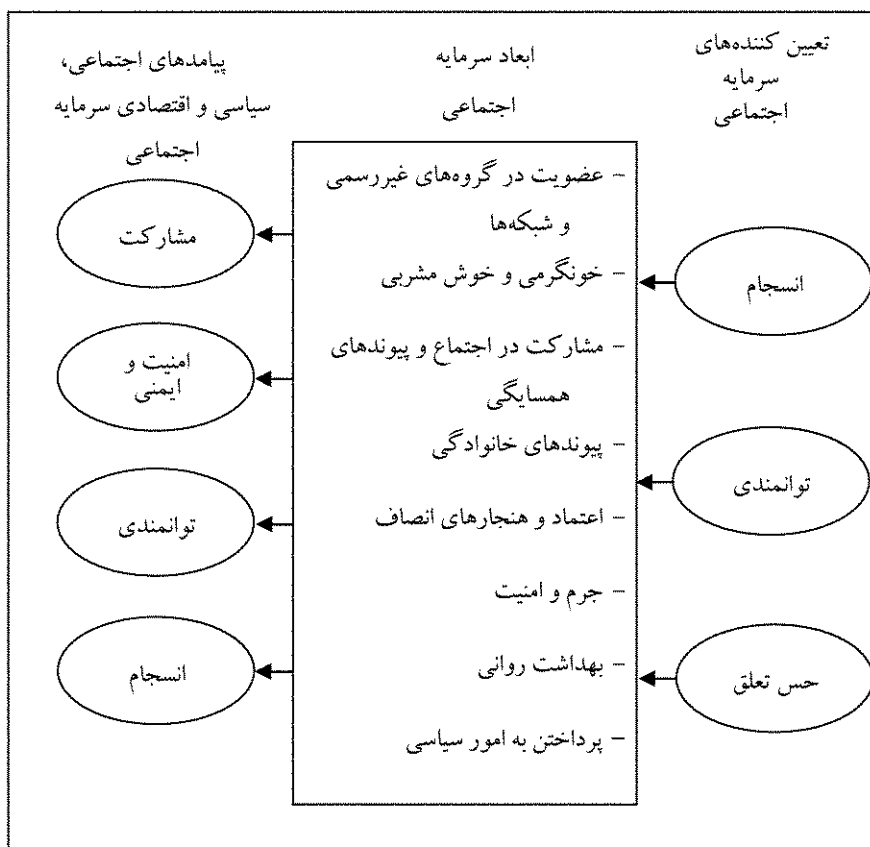
پیمایش جهانی سرمایه اجتماعی

نارایان و کسیدی کوشیدند تا مجموعه‌ای از پرسش‌های معتبر و پایا را برای سنجش سرمایه اجتماعی در جوامع در حال توسعه طراحی و ارائه کنند. آن‌ها در مرحله بعدی، از ابزار سنجش خود در دو کشور آفریقایی یعنی غنا و اوگاندا استفاده عملی کردند.

این پژوهشگران با مروری بر ادبیات و مطالعه ۲۵ پرسشنامه متفاوت در زمینه سرمایه اجتماعی، الگوی خاص خویش را طراحی کردند. سپس در سال ۱۹۹۸، بانک جهانی برای بررسی و اصلاح این الگو، کارگاهی با حضور متخصصان حوزه‌های مختلف از جمله: جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، علوم سیاسی و اقتصاد برگزار کرد. برای اطمینان یافتن از اعتبار محتوایی^۲، اصلاحات لازم در پرسشنامه صورت گرفت و سپس این پرسشنامه در جمهوری غنا به طور آزمایشی اجرا شد. امتیاز پیمایش جهانی سرمایه اجتماعی نسبت به دیگر مطالعات در این است که در آن بین عوامل تعیین‌کننده، ابعاد و پیامدهای سرمایه اجتماعی تفکیک صورت گرفته است نمودار یک نشان‌دهنده عوامل، ابعاد و پیامدهای سرمایه اجتماعی است.

1. Global social capital survey/
GSCS

2. Content validity



نمودار ۱. چارچوب سنجش سرمایه اجتماعی در مطالعه پیمایش جهانی سرمایه اجتماعی (۱۹۹۹)

پروژه خانواده، سرمایه اجتماعی و شهروندی (استون و هیوز، ۲۰۰۲): برای پروژه خانواده، سرمایه اجتماعی و شهروندی، برای سنجش سرمایه اجتماعی در کشور استرالیا، یکی از جامع‌ترین چارچوب‌های مفهومی را طراحی شد (استون، ۲۰۰۱). براساس این چارچوب، سرمایه اجتماعی مفهومی چند بعدی است که شامل: شبکه‌ها، اعتماد و هنجار معامله به مثل است. این چارچوب، بر کیفیت روابط اجتماعی و همچنین بر ساختار این روابط تاکید دارد.

انواع شبکه‌ها و هنجارهای حاکم بر آنها

یکی از ویژگی‌های این مدل، توجه به انواع شبکه‌هایی است که سرمایه اجتماعی

در آن جریان دارد. سرمایه اجتماعی تنها به یک نوع خاص از شبکه‌های اجتماعی محدود نمی‌شود، بلکه در شبکه‌های اجتماعی محلی، همچنین در سطوح دولت - ملت و هم در درون خانواده‌ها و دیگر شبکه‌های خانوادگی وجود دارد. در این زمینه می‌توان سه نوع شبکه را از هم متمایز ساخت: شبکه‌های موجود در قلمرو غیررسمی همچون پیوندهای خویشاوندی و خانوادگی، شبکه‌های موجود در قلمرو تعمیم‌یافته^۱ مانند پیوند با افرادی که فرد آن‌ها را به خودی خود نمی‌شناسد، و شبکه‌های موجود در قلمرو نهادی^۲ مانند ارتباط فرد با نهادها.

همچنین دو نوع هنجار بر این شبکه حاکم است: هنجار اعتماد و هنجار معامله به مثل. این دو نوع هنجار در سه نوع شبکه حاکم است.

در پژوهش‌ها بر این نکته تأکید شده است که سنجه‌های کلیدی سرمایه اجتماعی عبارت است از: هنجارها و شبکه‌ها. در این پروژه نیز برای سنجش سرمایه اجتماعی به اندازه‌گیری هنجارهای اعتماد و معامله به مثل، همچنین ویژگی‌های شبکه در عرصه‌های غیررسمی، تعمیم‌یافته و نهادی پرداخته شده است.

مدل پیشنهادی از اداره آمار استرالیا: در سال ۲۰۰۴ میلادی اداره آمار استرالیا با جمع‌بندی نظریه‌های مختلف در زمینه سرمایه اجتماعی مدل کاملی برای سنجش این مفهوم طراحی کرد. براساس این مدل برای سنجش سرمایه اجتماعی باید به چهار بعد توجه کرد: کیفیت شبکه، ساختار شبکه، مبادله‌های شبکه، و انواع شبکه‌ها. مؤلفه‌های هر یک از این ابعاد چهارگانه به این شرح است:

۱. کیفیت شبکه^۳

الف. هنجارها

۱. اعتماد

- اعتماد تعمیم‌یافته

- اعتماد غیررسمی

- اعتماد نهادی

- قابلیت اعتماد به عموم

- احساس امنیت

1. Generalized realm

2. Institutional realm

3. Network quality

۲. معامله به مثل

- ادراک معامله به مثل در اجتماع
- وقت و پول صرف کردن برای اجتماع
- نگرش نسبت به مشارکت در اجتماع

۳. احساس اثربخشی

- ادراک درباره اثربخشی اجتماع
- حس اثربخشی شخصی در اجتماع
- اثربخشی شخصی یا اجتماعی
- اثربخشی در تصمیم‌گیری‌های محلی
- ادراک اثربخشی

۴. همکاری

- همکاری در زمینه حفظ منابع انرژی
- حمایت از رویدادهای اجتماع
- نگرش نسبت به ظرفیت تصمیم‌گیری اجتماع
- نگرش نسبت به همکاری اجتماعی و مدنی

۵. پذیرش تنوع

- پذیرش سبک‌های مختلف زندگی
- حمایت از تنوع فرهنگی
- تنوع گروهی
- تجلیات رفتارهای منفی نسبت به تنوع فرهنگی
- ادراک بروز تغییر در نگرش‌های منفی نسبت به تنوع فرهنگی
- نگرش نسبت به تنوع زبانی

ب. هدف مشترک

۱. مشارکت اجتماعی

- مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی
- موانع مشارکت اجتماعی
- عضویت در باشگاه‌ها، سازمان‌ها یا انجمن‌ها
- حضور فعال در باشگاه‌ها، سازمان‌ها یا انجمن‌ها
- تعداد باشگاه‌ها، سازمان‌ها، یا انجمن‌های فعال در آن‌ها
- تعلق مذهبی
- مشارکت مذهبی

۲. مشارکت مدنی

- سطح مشارکت مدنی
- مدت زمان صرف شده برای مشارکت در امور اجتماع
- عضویت در باشگاه‌ها، سازمان‌ها یا انجمن‌ها
- حضور فعال در باشگاه‌ها، سازمان‌ها یا انجمن‌ها
- تعداد گروه‌های فعال در آن‌ها
- عضویت در کمیته‌ها
- موانع مشارکت مدنی
- سطح مشارکت در گروه‌ها، باشگاه‌ها و سازمان‌ها
- آگاهی از اخبار و امور جاری
- عضویت در اتحادیه‌ها
- شرکت در رأی‌گیری‌ها

۳. حمایت از اجتماع

- کمک کردن به دیگران در خارج از خانه
- کمک کردن در درون خانواده
- مشارکت در کارها و فعالیت‌های داوطلبانه
- فراوانی کار داوطلبانه
- چند ساعت در سال صرف کار داوطلبانه شده است

- هدیه دادن به سازمان‌ها و امور خیریه
- عضویت در باشگاه‌ها، سازمان‌ها یا انجمن‌ها

۴. دوستی

- تعداد اقوام نزدیک
- تعداد دوستان نزدیک
- تعداد سایر دوستان
- میزان رضایت از دوستی
- دوستی با همکاران

۵. مشارکت اقتصادی

- نرخ مشارکت نیروی کار
- اعتماد به همکاران
- دوستان و اقوام به‌عنوان منبع تأمین مالی و کسب اطلاعات
- استفاده از فروشگاه‌های محلی
- عضویت و مشارکت در اتحادیه‌ها و انجمن‌های حرفه‌ای

۲. ساختار شبکه^۱

الف. سائز شبکه

- منبع حمایت در مواقع بحرانی
- اقوام یا دوستان نزدیکی که در مجاورت شما هستند
- میزان آشنایی و رفاقت با همسایگان
- ارتباط با نهادها

ب. فراوانی شبکه

- عمق شبکه و شیوه‌های ارتباطی
- میزان تماس چهره به چهره با اقوام
- میزان تماس چهره به چهره با دوستان
- میزان تماس تلفنی با اقوام

1. Network structure

- میزان تماس تلفنی با دوستان
- میزان تماس الکترونیکی (اینترنت و پست الکترونیکی) با اقوام
- میزان تماس الکترونیکی (اینترنت و پست الکترونیکی) با دوستان
- فراوانی دیگر انواع ارتباط با اقوام

ج. تراکم و انعطاف

- ماهیت شبکه‌های غیررسمی خانواده
- ماهیت شبکه‌های غیررسمی دوستان
- تراکم شبکه‌های رسمی

د. جابه‌جایی و عدم ثبات

- مدت زمان اقامت در محل فعلی
- جابه‌جایی جغرافیایی
- مدت زمان فعالیت در سازمان‌ها
- تغییر در شدت مشارکت
- تجربه انجام کارهای اجتماعی و مدنی در دوران کودکی و جوانی
- زمینه دوران کودکی و جوانی
- نوع اقامت
- جابه‌جایی جغرافیایی در دوران کودکی و جوانی

ه. روابط قدرت

- تماس با سازمان‌ها
- ادراک فرد در مورد دسترسی به امکانات و خدمات عمومی
- حس اثربخشی در فرد

۳. مبادله‌های شبکه^۱

الف. حمایت مشترک

۱. حمایت مالی، عاطفی و تشویق
- تأمین حمایت
- دریافت حمایت

1. Network transaction

- ارائه کمک به همکاران
- انتظار دریافت کمک از همکاران
- ظرفیت جست‌وجوی حمایت

۲. انسجام در اجتماع

- استفاده از امکانات موجود در اجتماع
- حضور در رویدادهای اجتماع
- حس تعلق به اجتماع
- ادراک فرد در خصوص دوستی از سوی اجتماع
- میزان شبکه‌های دوستی در محل

۳. کنش مشترک

- انجام کنش مشترک با دیگران برای حل مشکلات محلی
- مشارکت در به راه‌اندازی خدمات جدید در محل
- مشارکت گروهی برای اصلاح اجتماعی یا سیاسی

ب. دانش و اطلاعات مشترک

- استفاده از اینترنت برای تماس با دولت
- استفاده از دوستان و اقوام به‌عنوان منبعی برای یافتن اطلاعات در مورد کار
- روش‌های جست‌وجوی کار
- منبع اطلاعات در تصمیم‌گیری‌های زندگی

ج. مذاکره

- حل تعارض‌های از طریق بحث و مذاکره
- اطمینان به مکانیسم‌های حل تعارض
- تمایل به جست‌وجوی میانجی‌گری
- حل مشکلات محلی

د. استفاده از ضمانت اجرا

- ادراک فرد در خصوص تمایل او برای برخورد با رفتارهای ضد اجتماعی
- تمایل فرد برای انجام رفتارهای ضد هنجار

۴. انواع شبکه‌ها^۱

الف. پیونددهنده

- تجانس گروهی
- تراکم شبکه‌های رسمی

ب. متصل کننده

- تنوع گروهی
- تراکم شبکه‌های رسمی
- میزان باز بودن در اجتماع محلی

ج. ربط دهنده

- ارتباط با نهادها

د. انزوا

- فقدان فعالیت در گروه‌ها
- احساس انزوای اجتماعی

بدین ترتیب به نظر می‌رسد هر کشوری دارای راهبرد خاصی در خصوص سرمایه اجتماعی است، پس گرایش‌های پژوهشی متفاوتی وجود دارد. نکته جالب اینکه در بیشتر کشورها، بررسی تجربی سرمایه اجتماعی اساساً توسط سازمان‌های آماری صورت گرفته است: مانند ONS در انگلستان، ABS در استرالیا و Statistics Canada در کانادا. در بسیاری از کشورها نیز تحت تأثیر دیدگاه‌های پوتنام به سنجش سرمایه اجتماعی جمعی توجه شده است و آن را به عنوان یک محصول نهایی، یعنی یک متغیر وابسته در نظر می‌گیرند از این رو می‌توان گفت که سنجش سرمایه اجتماعی تاکنون به گونه‌ای بوده که استفاده از نتایج به دست آمده را برای سیاست‌گذاری دشوار ساخته است.

سرمایه اجتماعی فردی

1. Network types

2. Policy Research Initiative/PRI

دولت کانادا، در سال ۲۰۰۳ میلادی پروژه ابتکار عمل تحقیقات سیاستی^۲ را مطرح کرد که هدف آن عملیاتی کردن مفهوم سرمایه اجتماعی به گونه‌ای بود که

بتوان از آن برای سیاست‌گذاری اجتماعی استفاده کرد. بدین منظور از رهیافت تحلیل شبکه‌ای استفاده شد. از دیدگاه سیاست‌گذاری این مدل فواید بسیاری دارد. پرسش مهم این است که چگونه می‌توان براساس رهیافت تحلیل شبکه‌ای، چارچوب عملیاتی برای سنجش سرمایه اجتماعی ارائه کرد. برای این منظور، نخست باید به تعریف مفهوم پرداخت، زیرا نحوه تعریف مفهوم سرمایه اجتماعی تعیین‌کننده نحوه سنجش آن است. در چارچوب تحلیل شبکه‌ای، منظور از سرمایه اجتماعی یعنی شبکه‌های اجتماعی که از طریق آن‌ها دسترسی به منابع اجتماعی امکان‌پذیر می‌شود. در این تعریف، شبکه اجتماعی عنصر اصلی سرمایه اجتماعی به‌شمار می‌آید.

تحلیل شبکه‌ای به ما اجازه می‌دهد تا با بررسی الگوهای رابطه‌ای، منابع موجود در شبکه را شناسایی کنیم. پیش‌فرض این تحلیل چنین است که ساختار روابط اجتماعی تعیین‌کننده فرصت‌ها و چالش‌های دسترسی به منابع است. خود این ساختار نیز محصول روابط و تعامل‌ها است.

یکی دیگر از امتیازهای تحلیل شبکه‌ای این است که می‌توان از آن هم برای سنجش وجود سرمایه اجتماعی و هم برای بررسی شیوه عمل آن استفاده کرد. در واقع شبکه دارای دو بخش اساسی است: بخش ساختاری که نشان‌دهنده وجود سرمایه اجتماعی است؛ و بخش مبادلاتی که شیوه عمل سرمایه اجتماعی را نشان می‌دهد.

الف- بخش ساختاری

حجم شبکه، تراکم شبکه، تنوع شبکه؛ هر قدر اعضای شبکه پروفایل متنوع‌تری داشته باشد، منابع موجود در شبکه و شدت پیوندهای شبکه نیز از تنوع بیشتری برخوردار خواهد بود. گرانووتو معتقد است: در پیوندهای قوی، اعضای گروه دارای منابع مشابهی هستند، ولی در پیوندهای ضعیف، اطلاعات و منابع جدیدی جریان می‌یابد. پیوندهای ضعیف، حلقه رابطه فرد با دنیای بیرونی است؛ از این رو اهمیت آن‌ها از این جهت است که امکان دسترسی به انواع منابع را فراهم می‌آورد. بارت^۱ (۱۹۹۲) معتقد است: برخی پیوندها از نوع حفره‌های ساختاری است یعنی بسیار با ارزش است.

1.Burt

ب- بخش مبادلاتی

دومین بخش از سرمایه اجتماعی که می‌تواند از تحلیل شبکه‌ای سود ببرد، پویایی شبکه است. یعنی اینکه چگونه شبکه‌ها ایجاد می‌شود و چگونه در طول زمان تغییر می‌کند. این نوع تحلیل، از بخش قبلی یعنی ساختار شبکه به مراتب پیچیده‌تر است؛ زیرا به دنبال فعال‌سازی شبکه است.

بدین ترتیب، پژوهشگرانی مانند بوردیو، فلپ، اریکسون و لین، سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از منابع می‌دانند که فرد می‌تواند از آن‌ها برای نیل به اهداف فردی خود استفاده کند. این رهیافت بیشتر به ارزش ابزاری سرمایه اجتماعی توجه دارد، زیرا توجه آن معطوف به پتانسیل‌های شبکه‌های اجتماعی برای تولید منابع ارزشمندی همچون حمایت و اطلاعات است. فلپ^۱ (۲۰۰۲) معتقد است که سرمایه اجتماعی فردی سه بُعد دارد:

۱. تعداد افراد موجود در شبکه فرد؛

۲. منابعی که دسترسی به آن‌ها از طریق این افراد صورت می‌گیرد؛

۳. امکان دسترسی به این منابع.

لین^۲ (۲۰۰۱) نیز سرمایه اجتماعی را منابع موجود در ساختار اجتماعی می‌داند که می‌توان به آن‌ها دسترسی داشت. مارتین وندر گگ^۳ و تام اسنیدرز^۴ معتقدند که سرمایه اجتماعی فردی، مجموعه‌ای از منابع است که اعضای شبکه فردی از آن برخوردارند و فرد می‌تواند از طریق رابطه با این افراد، به آن منابع دسترسی یابد. از این‌رو می‌توان گفت: سرمایه اجتماعی به معنی دسترسی به منابع اجتماعی است. بررسی ترکیب و ساختار شبکه‌های فردی در دهه‌های پایانی قرن بیستم با مطالعات ولمن، فیشر و اریکسون به فراوانی رواج یافت.

فنون سنجش سرمایه اجتماعی فردی

با این فنون می‌توان منابع موجود در درون شبکه‌های فرد را شناسایی کرد و بدین ترتیب به بررسی نحوه توزیع سرمایه اجتماعی در درون جامعه پی برد. با این ابزارها می‌توان دسترسی فرد به منابع (سرمایه اجتماعی) را سنجید. برای این هدف، سه رویکرد وجود دارد: ژنراتور اسم - مفسر^۵، ژنراتور موقعیت^۶، و ژنراتور منابع^۷. هر سه رویکرد به بررسی منابع موجود در درون شبکه می‌پردازد، ولی نوع رهیافت آن‌ها نسبت به این منابع، متفاوت است.

1. Flap
2. Lin
3. Vander Gaag
4. Snyder
5. Name-interpreter generator
6. Position generator
7. Resource generator

الف- ژنراتور اسم- مفسر

قدیمی‌ترین روش سنجش، همان ژنراتور اسم-مفسر است که برای نخستین بار مک‌کالیستر و کلود فیشر آن را مطرح کردند و پس از آن، بسیاری از پژوهشگران از این روش استفاده کردند. از این روش برای بررسی رابطه فرد با اعضای شبکه خود استفاده می‌شود. در این روش از پاسخگو می‌خواهند تا نام و مشخصات کسانی که برای انجام کارهای مهم از آن‌ها کمک و مشورت می‌گیرد (مک‌کالیستر^۱ و فیشر^۲، ۱۹۷۸؛ مارزدن^۳، ۱۹۸۷)، یا به آن‌ها احساس نزدیکی می‌کند (ولمن^۴، ۱۹۷۹) را بیان کند. کسانی که فرد معرفی می‌کند، افرادی هستند که اعضای شبکه او را تشکیل می‌دهند.

سپس، چند پرسش در مورد این افراد مطرح می‌شود تا ویژگی‌های آنان، نوع رابطه آن‌ها با پاسخگو و نوع رابطه آن‌ها با یکدیگر روشن شود. از این مرحله با عنوان مفسر اسم یاد می‌شود. در این قسمت، تراکم شبکه، تجانس شبکه و ترکیب شبکه بررسی می‌شود. برای نمونه در مورد سن، جنسیت و تحصیلات این افراد پرسش می‌شود و اینکه با هر یک از این افراد چقدر رابطه دارد و کدام یک از این افراد دیگری را می‌شناسد. با این پرسش‌ها، ویژگی‌های ساختار شبکه فرد نظیر حجم شبکه، میانگین سنی و تحصیلی شبکه، سطح هموفیلی و میانگین قدرت پیوندها به دست می‌آید.

با شمردن تعداد نام افراد ذکر شده، حجم یا سایز شبکه فرد به دست می‌آید. با این روش، اطلاعات توصیفی مفصلی در مورد سرمایه اجتماعی به دست می‌آید، ولی اجرای آن هم برای پاسخگو دشوار است و هم برای مصاحبه‌کننده، افزون بر اینها هزینه زیادی هم لازم دارد. همچنین روش ژنراتور اسم- مفسر به شدت وابسته به فرد مصاحبه‌کننده است، از این رو بسیار آسیب‌پذیر است. ون تیلبرگ^۵ در نقد روش ژنراتور اسم معتقد است که در این روش، مصاحبه‌گران با تحصیلات بیشتر، تمایل دارند که نام‌های بیشتری را از پاسخگو به دست آورند (ون تیلبرگ، ۱۹۹۸).

به طور کلی، از این رویکرد بیشتر در جایی استفاده می‌شود که پژوهشگر به دنبال کسب اطلاعات مفصل و همراه با جزئیات، در مورد محتوای شبکه‌هاست. برخی از شاخص‌های حاصل از رویکرد ژنراتور اسم- مفسر عبارتند از:

1. McCallister
2. Fischer
3. Marsden
4. Wellman
5. Van Tilburg

حجم شبکه: این شاخص از طریق شمارش تعداد نام افراد بیان شده به دست می‌آید. با این شاخص، حجم سرمایه اجتماعی فرد محاسبه می‌شود. چند شاخص دیگر نیز وجود دارد که نشان‌دهنده تنوع و گوناگونی سرمایه اجتماعی فرد است. این شاخص‌ها با کمک: جنسیت، سن، تحصیلات و قدرت پیوندها محاسبه می‌شود.

ب- ژنراتور موقعیت

بنا به نظر لین (۲۰۰۱)، کنش صورت گرفته با کمک سرمایه اجتماعی را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد: ۱) کنش‌های ابزاری که باعث به دست آوردن منابع می‌شود. هدف این نوع کنش، افزایش دسترسی فرد به منابع است. برخی از نتایج حاصل از این نوع کنش عبارت است از: ثروت، قدرت و شهرت و ۲) کنش‌های اظهاری که هدف آن حفظ و نگهداری منابع فرد است مثل هم احساسی یا رضایت از زندگی.

اساس نظریه‌ی شبکه این است که بین منابع اجتماعی و کنش ابزاری رابطه وجود دارد (لین، ۱۹۸۲). منظور از کنش ابزاری، کنشی است که هدف از انجام آن، به دست آوردن منابع ارزشمند مانند، ثروت، منزلت و قدرت است. منابع اجتماعی منابعی است که فرد از طریق روابط اجتماعی خود می‌تواند به آن‌ها دسترسی یابد. از این‌رو این منابع در دل شبکه اجتماعی فرد نهفته است. دسترسی به این منابع اجتماعی و استفاده از آن‌ها سبب موفقیت فرد در کنش ابزاری می‌شود. به عبارت دیگر، موفقیت کنش ابزاری بستگی به میزان دسترسی فرد به منابع اجتماعی دارد.

ژنراتور موقعیت برای نخستین بار توسط لین و دامین^۱ (۱۹۸۶) پیشنهاد شد. این ابزار دارای بنیان منطقی و نظری مستحکمی است و تنوع منابع موجود در شبکه فرد را شناسایی می‌کند. با این روش، دسترسی فرد به مشاغل مختلف سنجیده می‌شود. همچنین شدت پیوندی که فرد از طریق آن به این مشاغل دسترسی دارد نیز محاسبه می‌شود. مبنای ابزار ژنراتور موقعیت این است که فرد چقدر به مشاغل سطح بالا، دسترسی دارد و چقدر شبکه او دارای تنوع و گوناگونی است. اینها ویژگی‌های مهم برای موفقیت کنش‌های ابزاری (مثل پیدا کردن کار، خانه و...) است. اصولاً در هر جامعه‌ای که منابع ابزاری در آن کمتر در دسترس باشد،

I. Dumin

نابرابری بیشتر بازتولید شده و تثبیت می‌شود و برعکس در هر جامعه‌ای که این منابع ابزاری در آن بیشتر در دسترس باشد، تحرک اجتماعی بیشتری روی می‌دهد. ولی کنش‌های اظهاری چندان ربطی به دسترسی فرد به این مشاغل سطح بالا ندارد. به عبارت دیگر، اگر با افراد دارای مشاغل با منزلت رابطه داشته باشیم، این به معنی رفع تمام نیازهای ما نیست. بنابراین، دارا بودن افراد دارای مشاغل با منزلت در شبکه خود، چندان کاربردی برای کنش‌های اظهاری ندارد. اگر فرد در شبکه خود دارای افراد با مشاغل کم منزلت (مثل افراد بازنشسته و دانش‌آموز) باشد، بیشتر می‌تواند از وجود این افراد برای کنش‌های اظهاری استفاده کند. اینان کسانی هستند که می‌توانند توجه، مصاحبت و محبت را برای فرد فراهم کنند. این نوع منابع، ربطی به موقعیت شغلی و سطح مشاغل ندارد.

به نظر لین (۲۰۰۱) دسترسی به منابع مربوط به کنش‌های اظهاری مثل حمایت عاطفی بیشتر از طریق پیوندهای قوی صورت می‌گیرد؛ مثلاً از طریق اعضای خانواده، ولی دسترسی به منابع مربوط به کنش‌های ابزاری (مثل اتصال به دیگر شبکه‌ها یا پیدا کردن کار) بیشتر از طریق پیوندهای ضعیف صورت می‌گیرد مثلاً از طریق آشنایان. مارک گرنووتر^۱ نیز در همین زمینه معتقد است منابع ابزاری که سودمندی بیشتری دارد، از طریق تماس‌های از راه دور اجتماعی قابل دسترسی است. از این دیدگاه، منزلت یعنی اینکه هر شغلی چقدر دارای نفوذ و تأثیر است. از این رو برای سنجش سرمایه اجتماعی در این روش کافی است، فهرستی از چند شغل به پاسخگو داده شود و از او پرسیده شود که آیا خانواده، دوستان و آشنایان او دارای چنین مشاغلی هستند یا خیر. بدین ترتیب دسترسی فرد به منابع اجتماعی سنجیده می‌شود. در این روش فرض بر این است که منزلت شغلی شاخص خوبی برای منابع اجتماعی است. به عبارت دیگر، فرض بر این است که آن دسته از اعضای شبکه که دارای مشاغل با منزلت هستند، کنترل مالی و فرهنگی بیشتری بر منابع دارند و از قدرت تأثیرگذاری بر نهادهای سیاسی برخوردارند.

با اطلاعات به دست آمده از این روش می‌توان چند شاخص مهم سرمایه اجتماعی را به شرح زیر بدست آورد:

۱. بالاترین منزلت در دسترس: این شاخص امروزه بیشترین کاربرد را دارد. ساخت این شاخص مبتنی بر این فرضیه است که دسترسی فرد به افراد دارای

1. Granovetter

مشاغل با منزلت سبب می‌شود که او بتواند از سرمایه اجتماعی خود بهتر و بیشتر استفاده کند.

دو شاخص دیگر، شاخص‌های مربوط به تنوع و گوناگونی است که توسط پژوهشگرانی مانند اریکسون^۱ (۱۹۹۶)، بارت^۲ (۱۹۹۲) و گرنوتر (۱۹۷۳) پیشنهاد شده است. بر این اساس، وقتی فرد در شبکه خود تنوع بیشتری در روابط داشته باشد، به منابع بیشتری دسترسی خواهد داشت و بهتر می‌تواند از این منابع استفاده کند. این شاخص‌ها عبارتند از:

۲. دامنه منزلت در دسترس: این شاخص از تفاضل بین بالاترین سطح شغلی قابل دسترس و کمترین سطح شغلی قابل دسترس، به دست می‌آید.

۳. تعداد مشاغل مختلف فرد: تعداد کل مشاغلی که فرد به آن‌ها دسترسی دارد. بانی اریکسون از بین شاخص‌های مطرح شده، بیشتر از شاخص سوم استفاده می‌کند زیرا دارای اعتبار بیشتری است.

علاوه بر سه شاخص فوق، اخیراً دو شاخص دیگر نیز پیشنهاد شده است:

۴. میانگین منزلت قابل دسترس: این شاخص از طریق میانگین منزلت کل مشاغلی که فرد به آن‌ها دسترسی دارد، بدست می‌آید (۱۹۸۶). برخی پژوهشگران این شاخص را جایگزین مناسبی برای شاخص اول می‌دانند.

۵. کل منزلت قابل دسترس: جمع کل نمره منزلت مشاغلی که فرد به آن‌ها دسترسی دارد (۱۹۹۲). این شاخص نشان‌دهنده حجم سرمایه اجتماعی فرد است. اجرای این روش، آسان و سریع است و می‌توان پرسشنامه آن را برای گروه‌های مختلف تدوین کرد، ولی مسئله مهم، سطح مشاغل است. چون سطح مشاغل نشان‌دهنده منابع اجتماعی است.

خلاصه اینکه، ژنراتور موقعیت، ابزاری است که دارای بنیان نظری مستحکمی است. این ابزار بویژه برای مطالعات تطبیقی مفید است. در حال حاضر تعداد پژوهش‌هایی که با استفاده از این ابزار به سنجش سرمایه اجتماعی می‌پردازد به شدت در حال افزایش است. به نظر می‌رسد بهترین روش برای مطالعه سرمایه اجتماعی بویژه برای مطالعات تطبیقی و بررسی کنش ابزاری، داده‌های حاصل از ابزار ژنراتور موقعیت باشد.

1. Erickson

2. Burt

ج- ژنراتور منابع

برای برطرف کردن نقص‌های دو روش قبلی، اسنیدرز (۱۹۹۹) ابزاری با عنوان ژنراتور منابع پیشنهاد کرده است که جوانب مثبت ابزار ژنراتور اسم (یعنی کسب اطلاعات مفصل) را با جوانب مثبت ابزار ژنراتور موقعیت (یعنی سهولت و برخورداری از اعتبار درونی) ترکیب کرده است. در این روش از پاسخگو مستقیماً در مورد منابعی که در شبکه خود می‌تواند به آن‌ها دسترسی داشته باشد، پرسش می‌شود. این روش، پرسشنامه‌ای شبیه به ژنراتور موقعیت دارد، ولی به جای پرسش در مورد دسترسی به مشاغل و موقعیت‌ها از دسترسی به منابع می‌پرسد. چالش بزرگ این روش، پیدا کردن فهرست جامعی از منابع مهم در حوزه‌های مختلف زندگی است. شیوه دسترسی فرد به این منابع نیز پرسیده می‌شود.

تعیین این منابع، به اینکه در مورد چه جامعه یا گروهی در حال پژوهش هستیم، بستگی دارد. ولی به‌طور کلی انواع منابع فردی و منابعی که در تمام دنیا ارزشمند شمرده می‌شود، مانند قدرت، ثروت و منزلت را نیز بایستی تأثیرگذار دانست. از سوی دیگر، باید دید که این انسان‌ها در زندگی خود دنبال چه اهدافی هستند. با ترکیب این سه نوع منابع، می‌توان گویه‌های مربوط به ژنراتور منابع را ساخت و از طریق این گویه‌ها به سنجش سرمایه اجتماعی پرداخت. برخی از گویه‌های ژنراتور منابع مربوط به کنش ابزاری است و برخی معطوف به کنش اظهاری و برخی نیز مربوط به هر دو نوع کنش. در حالی که ژنراتور موقعیت بیشتر برای سنجش دسترسی فرد به منابع اجتماعی لازم برای کنش‌های ابزاری، مناسب است، اطلاعات حاصل از ژنراتور منابع، بیشتر به شناسایی منابع اجتماعی مفید برای کنش‌های اظهاری می‌پردازد.

اجرای پرسشنامه در این روش تا یک میزانی است و نتایج مهمی در زمینه سرمایه اجتماعی به‌دست می‌دهد. ولی ساخت آن دشوار است، زیرا بستگی دارد به این پرسش مهم که: «منابع اجتماعی چقدر برای فرد مهم و سودمند است؟». در پاسخ به این پرسش که: «منابع اجتماعی سودمند و قابل استفاده کدام‌هاست؟» ممکن است جواب‌ها بسیار متفاوت باشد، چون بسته به جامعه و گروه، دسترسی به این منابع و اهمیت آن‌ها متفاوت است؛ بنابراین ساخت ژنراتور منابع نیاز به بنیان نظری قوی دارد و مقایسه نتایج به‌دست آمده نیز چندان سهل نیست.

پیمایش شبکه‌های اجتماعی در هلند^۱، اولین پژوهشی است که از این روش برای جمع‌آوری داده‌های سرمایه اجتماعی استفاده کرده است. اکنون نسخه دیگری از آن در پژوهش در انگلستان^۲ شروع شده است و همزمان از آن در کانادا، بولیوی و بلاروس نیز بهره برده‌اند.

از آنجا که شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی به‌شدت وابسته به فرهنگ است، بنابراین ساخت ژنراتور منابع نیاز به مبانی نظری قوی دارد، زیرا منابع اجتماعی هر گروه و جامعه‌ای، خاص آن است. خوبی روش ژنراتور منابع این است که اجرای آن از ژنراتور اسم-مفسر راحت‌تر و تفسیر آن از ژنراتور موقعیت، مستقیم‌تر است، ولی ساخت ژنراتور منابع به مبانی نظری قوی‌تری نیاز دارد. چالش بزرگ در ساخت ژنراتور منابع این است که مطمئن شویم تمام منابع سودمند در فهرست گنجانده شده است. باید توجه داشت که ژنراتور منابع که توسط وندرگگ و اسنیدرز پیشنهاد شده دارای گزینه‌های مناسب برای جامعه صنعتی مدرن و نه تمامی جوامع است.

نکات قوت و ضعف رویکرد سنجش

- با توجه به آنچه گفته شد، ضعف‌ها و توانمندی‌های هر یک از سه رویکرد را به شرح زیر می‌توان خلاصه کرد:
- با این سه رویکرد، توزیع سرمایه اجتماعی در بین مردم آشکار می‌شود. توزیع نابرابر سرمایه اجتماعی در بین گروه‌های مختلف سبب بازتولید نابرابری‌های اجتماعی خواهد شد (فلپ، ۱۹۹۱؛ لین، ۲۰۰۱). توزیع نابرابر سرمایه اجتماعی فردی می‌تواند تابع دو عامل مهم باشد: ساختار فرصت و ویژگی‌های شخصیتی.
 - با هر سه ابزار می‌توان دو بعد مهم سرمایه اجتماعی را سنجید: حجم: یعنی اینکه هر چقدر شبکه فرد بزرگ‌تر و پر حجم‌تر باشد، فرد از سرمایه اجتماعی بیشتری برای دست یافتن به اهداف خود برخوردار خواهد بود؛ تنوع: یعنی هر چقدر در منابع اجتماعی، تمایز بیشتری وجود داشته باشد، سرمایه اجتماعی بیشتری شکل خواهد گرفت (اریکسون، ۱۹۹۶؛ لین ۲۰۰۱).
 - با هر سه روش می‌توان شاخص‌های مختلفی برای سرمایه اجتماعی ساخت، ولی ساخت شاخص‌ها در روش ژنراتور موقعیت، رایج‌تر و استاندارد شده‌تر است.

1. SSND
2. SAFIRE

- از شاخص‌های حاصل از این سه روش همانند ویژگی‌های ساختار شبکه، هم می‌توان به عنوان متغیر مستقل برای پیش‌بینی پیامدهای اجتماعی-اقتصادی برای فرد استفاده کرد (به طور مثال موفقیت تحصیلی، اشتغال و رضایت از زندگی) و هم می‌توان به عنوان متغیر وابسته، از طریق ویژگی‌های فرد به تبیین و پیش‌بینی آن‌ها پرداخت.

- اگر چه هر سه روش دارای رهیافت نظری مشابهی است؛ ولی مقایسه آن‌ها نشان می‌دهد که هر روشی روی ابعاد خاصی از سرمایه اجتماعی تأکید دارد. به علاوه هر یک از آن‌ها دارای امتیازات خاص خود است. از آنجایی که هر یک از این روش‌ها، اطلاعات مختلفی در مورد سرمایه اجتماعی به دست می‌دهد، بایستی پژوهشگر در انتخاب و استفاده از آن‌ها، دقت لازم را به کار گیرد.

- از بین این سه روش فوق، ژنراتور موقعیت از همه اقتصادی‌تر است. به علاوه ساخت و اجرای آن سهل‌تر از بقیه روش‌هاست.

- اگر به دنبال بررسی آثار سرمایه اجتماعی بر کنش‌های ابزاری هستید، بهتر است از روش ژنراتور موقعیت استفاده کند. ولی اگر هدف از پژوهش، مطالعه نقش سرمایه اجتماعی در کنش‌های اظهاری است، بهتر است نسخه خاصی از ژنراتور منابع ساخته شود که در آن، انواع منابع اجتماعی مفید در این زمینه، سنجیده شود. هر وقت بخواهیم تأثیر ساختار شبکه را بر پیامدهای سرمایه اجتماعی بررسی کنیم، باید از روش ژنراتور اسم-مفسر استفاده کرد؛ اگر چه هزینه این روش بسیار زیاد است اما این تنها روشی است که اعضای شبکه را می‌سنجد.

- علت محبوبیت روش ژنراتور موقعیت، ناشی از مزایای روش شناختی آن است. اول اینکه، این روش دارای بنیان نظری مستحکمی است که در مورد جوامع و فرهنگ‌های مختلف مصداق دارد. دوم اینکه، ساخت شاخص‌های حاصل از داده‌های آن، تا حدود زیادی استاندارد شده است. بنا به همین دو دلیل، نتایج به دست آمده از این روش در مطالعات مختلف به راحتی قابل مقایسه است، ولی ژنراتور اسم-مفسر نیاز به مصاحبه طولانی دارد و ساخت ابزار ژنراتور منابع دشوار است، زیرا منابع اجتماعی سودمند و قابل استفاده در همه جوامع، بین همه گروه‌ها مشابه نیست. تنها عیب ژنراتور موقعیت در تفسیر سطوح مختلف منزلت مشاغل است.

- اگر قصد مقایسه سرمایه اجتماعی بین جوامع و گروه‌های مختلف را دارید، بهتر است به جای ژنراتور منابع، از ژنراتور موقعیت استفاده شود.

منابع

- Burt, R.S. (1992). **Structural holes: The social structure of competition**. Cambridge MA: Harvard University Press.
- Campbell, K.E., Marsden, P.V., & Hurlbert, J.S. (1986). Social resources and socioeconomic status. **Social Networks**, 8, 97-117.
- Erickson, B.H. (1996). Culture, class and connections. **American Journal of Sociology**, 102, 217-251.
- Feynman, R.P. (1988). **What do you care what other people think?**. New York: Bantam Books.
- Flap, H. (1991). Social capital in the production of inequality. **Comparative Sociology of family, Health and Education**, 20, 6179-6202.
- Flap, H. (2002). **No man is an island: the research program of a social capital theory**. In O.Favereau and E.Lazaga (Eds) *Conventions and structures* Cheltenham.
- Granovetter, M. (1973). The strength of weak ties. **American Journal of Sociology**, 78, 1360-1380;
- Hsung, R.M., Hwang, Y.J. (1992). **Job mobility in Taiwan: job search methods and contact status**, San Diego, US: Paper presented at XII international Conference on Social Networks.
- Lin, N. (1982). **Social resources and instrumental action**. In P.Marsden and N.Lin (Eds.), *Beverly Hills, CA: Sage, Social structure and network analysis*.
- Lin, N. (2001). **Social capital: A theory of social structure and action**. Cambridge: Cambridge University Press.
- Lin, N., and Dumin, M. (1986). Access to occupations through social ties. **Social Networks**, 8, 365-385.
- Marsden, P. (1987). Core Discussion Networks of americans. **American Sociological Review**, 52, 122-131.
- McCallister, L. and Fischer, C.S. (1978). A procedure for surveying personal

- networks. **Sociological Methods and Research**, 7, 131-148.
- Paxton, P. (1999). Is social capital declining in the United States? a multiple indicator assessment. **American Journal of Sociology**, Vol. 105 (1), 88-127.
 - Snijders, T.A.B. (1999). Prologue to the measurement of social capital. **LaRevue Tocqueville**, XX 1, 27-44.
 - Stone, W. (2001). **Measuring social capital**. Research Paper No. 24, Melbourne: Australian Institute of family Studies.
 - Stone, W., & Hughes, J. (2002). **Social capital: Empirical meaning and measurement validity**. Research Paper No. 27, Melbourne: Australian Institute of Family Studies.
 - Van Tilburg, T. (1998). Interviewer effects in the measurement of personal network size. **Sociological Methods and Research**, 26, 300-328.
 - Wellman, B. (1979). The community question. **American Journal of Sociology**, 84, 1201-1231.
 - Woolcock, M. (2004). **Social capital for social policy: lessons from international research and policy**. Ottawa, Canada: Presentation to the Policy Research Conference.